

تعدد جرم

تعدد مادی و معنوی - تعدد مادی جرم دو صورت دارد - تعدد در امور خلافی - تعدد جرم اطفال - تعدد جرائم سیاسی - جرائم اداری و مجازاتهای نقدی - تعدد علل و نتایج - تعدد دفعات - جرائم مرکبه .

شخصی که بلحاظ ارتکاب چند جرم (عنواناً یا موضوعاً) تحت تعقیب و محاکمه باشد و یا اینکه پس از صدور حکم قطعی و قبل از پایان مدت مجازات مرتکب جرم دیگری شود دارای تعدد جرائم بوده و باستناد مواد مربوطه و با رعایت ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی در مورد تعدد عنوانی یا ماده ۲ الحاقی بآئین دادرسی کیفری در مورد تعدد مادی برای او تعیین مجازات میگردد .

در بعضی از کشورها بابت هر یک از جرائم مجازات علیحده برای متهم تعیین میشود و مجموع مجازاتهای تعیین شده در حق او قابل اجرا میباشد ولی قانونگذار ایران فقط مجازات اشد را در حق محکوم علیه قابل اجرا دانسته است .
تعدد گاهی معنوی و گاهی مادی است .

تعدد معنوی جرم

هر گاه فعل واحد دارای عناوین متعدد جرم باشد طبق ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی مجازات جرمی داده میشود که جزای آن اشد است بنابراین اگر امین مال امانی را بقصد اضرار امانت گذار تلف کند عمل امین دارای عنوان تخریب بوده و از این نظر مشمول ماده ۲۵۷ قانون مجازات عمومی است و در عین حال تصرف غیر مجاز و اتلاف مال امانی بوده و دارای عنوان خیانت در امانت است و از این لحاظ مشمول ماده ۲۴۱ همان قانون است در چنین موردی ممکن است در کیفرخواست متعرض هر دو عنوان جرم شد و با اشاره بماده ۳۱ از دادگاه تقاضای تعیین مجازات بشود ولی دادگاه فقط از بابت خیانت در امانت که مجازاتش اشد است متهم را محکوم مینماید مثال دیگر تعدد معنوی جرم چنین است که :
« . . . کسی خانه ای را تشکیل و اداره کند که هم محل نوحشاه و هم محل شیره کشی باشد چون تشکیل خانه یک عمل است که مشمول دو ماده از مواد کیفری است فقط بایستی از جهت جرم اشد (طبق ماده ۳۱ قانون مجازات عمومی) تعقیب شود و دو عمل محسوب نمیشود که بدو کیفر با رعایت تعدد (طبق ماده ۲ ملحقه) محکوم گردد» حکم شماره ۳۰۲۴ - مورخ ۲۹-۷-۱۳۳۰ صادره از شعبه ۸ دیوانعالی کشور .

تعدد مادی جرم

هرگاه متهم مرتکب افعال متعدد شده باشد که هر یک از آنها قانوناً جرم محسوب گردد برای متهم با رعایت مقررات ماده ۲ الحاقی باین دادرسی کیفری تعیین مجازات میگردد.

ماده ۲ ملحقه دارای دو صورت است. صورت اول اینکه: « فرداً فرداً اعمال ارتكاییه جرم بوده بدون اینکه مجموع آنها در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد. »

در این صورت دادگاه « باید برای هر یک از آن اعمال حداکثر مجازات مقرر را معین نماید. » و اگر موردی برای تخفیف موجود باشد دادگاه میتواند با استناد ماده ۵ مکرر قانون مجازات عمومی مجازات را تا حد اقل میزان مقرره تقلیل دهد بدون اینکه بتواند مجازات را بکمتر از حداقل تنزیل دهد. مورد اعدام و حبس مؤبد با اعمال شاقه و مواردیکه بدون حداقل واکثر باشد نیز در ماده ۵ مکرر ذکر شده و تکلیف آنها هم معین گردیده است.

مصادیق صورت اول تعدد مادی جرم بسیار است از جمله اینکه شخصی سندیرا جعل کند و از سند معمول استفاده هم نماید. در این مورد هم از بابت جعل باید برای متهم تعیین مجازات شود و هم از بابت استفاده از سند معمول و در صورتیکه مجوزی برای تخفیف نباشد دادگاه ملزم است که متهم را بحد اکثر مجازات هر دو جرم جداگانه محکوم نماید ولی فقط مجازات اشد در حق محکوم علیه قابل اجراست و اگر مجازات هر دو جرم یکسان باشد فقط یکی از آن دو مجازات بعنوان مجازات اشد پس از قطعیت اجرا میگردد.

صورت دوم تعدد مادی جرم بطوریکه در ماده ۲ ملحقه ذکر شده اینستکه:

« فرداً فرداً آن اعمال جرم بوده و مجموع آنها نیز در قانون عنوان جرم خاصی

داشته باشد، محکمه باید برای هر یک از آن اعمال مجازات علیحده تعیین کرده و برای مجموع نیز مجازات قانونی را مورد حکم قرار دهد. » منطوق ماده صراحت دارد که در این صورت دادگاه مکلف نیست حد اکثر مجازات را مورد حکم قرار بدهد بلکه با توجه بشرایط وقوع جرم و وضع مجرم و با توجه باوضاع و احوال قضیه برای او بین حداقل و حداکثر تعیین مجازات مینماید و در صورت بودن کیفیات مخففه با استناد ماده ۵ و قانون مجازات عمومی اگر جرم جنائی باشد و با استناد ماده ۵ اصلی قانون مجازات عمومی اگر جرم جنحه باشد دادگاه میتواند متهم را بکمتر از حداقل هم محکوم کند.

مؤید صحت مطلب فوق عبارت صدر ماده ۵ مکرر میباشد که میگوید: « در موارد تکرار یا تعدد جرم و همچنین در کلیه مواردیکه مطابق قانون مجرم باید بحد اکثر مجازات محکوم شود... » مستنبط از عبارت فوق با توجه به تفکیکی که در ماده ۲ ملحقه بین دو صورت تعدد مادی جرم شده اینستکه مقصود از تعدد جرم مذکور در ماده ۵ مکرر آن چنان تعددی است که مستلزم تعیین حداکثر مجازات باشد و آن موردیست که فرداً فرداً اعمال ارتكاییه جرم بوده ولی مجموع آنها عنوان جرم خاصی نداشته باشد و قانوناً دادگاه مکلف باشد که برای هر یک از جرائم ارتكاییه حداکثر مجازات مقرر را معین نماید.

مصادیق صورت دوم تعدد مادی جرم بسیار است و ولی عملاً مورد توجه قرار نمیگیرد و دادسراها فقط برای مجموع جرائم تقاضای مجازات مینمایند و اشاره ای بماده ۲ ملحقه

نمیشود مثال اینکه شخصی بقصد سرقت مانع را در هم میشکند و سرقت هم انجام میگیرد در این صورت درهم شکستن مانع و حرز گرچه مقدمه سرقت است مع الوصف بالاستقلال تخریب محسوب میشود و منطبق با ماده ۲۵۷ قانون مجازات عمومی است، و نفس عمل سرقت بفرض اینکه مقرون به کیفیت خاص دیگری نباشد منطبق با ماده ۲۲۷ میباشد و مجموع اعمال ارتكاییه (سرقت با هتک حرز) بوده و منطبق با بند ۲ ماده ۲۲۶ میباشد و در این صورت کیفرخواست اصولاً باید بهردو بزه و مجموع آنها اشاره کند و باستناد هر سه ماده فوق و رعایت ماده ۲ ملحقه تقاضای تعیین مجازات شود. و دادگاه از بابت تخریب و از بابت سرقت و از بابت سرقت با هتک حرز بین حداقل و اکثر مجازات تعیین نماید. البته فقط مجازات اشد قابل اجراست.

اجتماع دو صورت تعدد مادی جرم نیز امکان دارد. مثال: اینکه شخصی سرقت با هتک حرز نماید و مرتکب جعل هم شده باشد و در این مورد دادگاه باید از بابت تخریب و سرقت ساده و سرقت با هتک حرز و جعل حداکثر مجازاتهای مقرر را تعیین نماید و فقط مجازات اشد قابل اجراست. دلیلش اینستکه هر یک از اعمال جزئیه سرقت با هتک حرز و نیز مجموع آن در حال اجتماع با عمل جعل صورت اول تعدد مادی جرم را بوجود میآورد و اثر عملی آن موقعی ظاهر میگردد که فرضاً در دیوان کشور بزه تخریب منتفی تشخیص شود و در نتیجه سرقت با هتک حرز هم منتفی میگردد و باقی میماند سرقت ساده توأم با جعل.

اجتماع تعدد معنوی و مادی جرم هم امکان دارد مثال اینکه امین مال امانی را بقصد اضرار امانت گذار تلف نماید و در جای دیگری مرتکب جرم رانندگی بدون پروانه مجاز گردد. در این صورت از بابت خیانت در امانت (اتلاف مال امانی دارای عناوین تخریب و خیانت در امانت میباشد و چون مجازات خیانت در امانت اشد است طبق ماده ۳۱ ق. م. ع. فقط از این بابت باید تعیین مجازات بشود) و نیز از بابت رانندگی بدون پروانه مجاز باستناد ماده ۲ ملحقه حداکثر مجازات تعیین میشود و با توجه باینکه عادتاً مجازات خیانت در امانت شدیدتر از مجازات رانندگی بدون پروانه است لذا فقط مجازاتی که از بابت خیانت در امانت برای متهم تعیین شده قابل اجرا خواهد بود.

تعدد در امور خلافی

در قانون مجازات راجع بجریان مقررات تعدد جرم در امور خلافی تصریح نشده است از ماده ۷ قانون مجازات عمومی چنین مفهوم میشود که عنوان جرم شامل امور خلافی هم میباشد و ماده ۳۱ مجازات عمومی و ماده ۲ ملحقه اشاره بجرم کرده و نوع مخصوصی را مستثنی نکرده است مع الوصف رویه بر این است که مقررات تعدد جرم در امور خلافی جاری نیست و زای اصراری هیئت عمومی دیوانعالی کشور بشماره ۶۰۰ مورخ ۲۹ - ۳ - ۱۳۱۸ چنین میگوید: «... چه آنکه مواد مربوط بتعدد جرم و یا تکرار جرم عموماً ظاهر در جرائم جنحه یا جنائی است و مشمول امور خلافی نمیشود.» البته منظور هیئت عمومی اینستکه مواد مربوط بتعدد یا تکرار جرم شامل امور خلافی نمیشود.

تعدد جرائم اطفال

اطفالی که سن آنها پیش از ۱۰ سال تمام و کمتر از ۱۸ سال تمام باشند مشمول احکام مربوط بتعدد جرم نمیباشند. قید سن اطفال از این جهت است که اطفال کمتر از ۱۲ سال تمام راجزائاً نمیتوان محکوم نموده (ماده ۳۴ قانون مجازات عمومی) و اطفال کمتر از ۱۰ سال تمام طبق ماده ۳۵ فقط بده الی پنجاه ضربه شلاق محکوم میشوند و فقط اطفال پیش از ۱۰ سال تمام و کمتر از ۱۸ سال تمام را میتوان در حدود مقررات ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی به حبس تأدیبی محکوم نمود.

ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی مقرر میدارد « احکام تکرار جرم نسبت باطفال . . . جاری نمیشود » و در مورد تعدد جرم قانون تصریح بعدم جریان ندارد ولی آراء متعددی از هیئت عمومی دیوانعالی کشور صادر شده که با استفاده از قاعده اولویت، احکام تعدد جرم را در حق اطفال جاری نمیداند. رأی اصراری هیئت عمومی بشماره ۲۰۰۱ - مورخ ۲۵-۱۲-۱۳۲۸ - میگوید: « . . . با التفات بماده ۳۸ قانون مزبور (مقصود قانون مجازات عمومی است) که اجرای احکام تکرار جرم را در مورد اشخاصی که کمتر از ۱۸ سال تمام دارند ممنوع نموده و با در نظر گرفتن این نکته که لزوم تنبیه و تنبیه در تکرار جرم منظور اصلی قانونگذار بوده و با این کیفیت در مورد این قبیل اشخاص اجرای آنرا ممنوع نموده است بطریق اولی در مورد تعدد جرم نظر مقنن بر تشدید مجازات این طبقه نمیباشد و رعایت احکام تعدد در این قبیل موارد مخالف روح و فلسفه مراتب مزبور میباشد. » و رای شماره ۳۰۹ - مورخ ۱۳-۷-۱۳۳۹ هیئت عمومی میگوید که تشدید مجازات طبق ماده ۲ ملحقه درباره اطفال « . . . بر خلاف ماده ۳۸ قانون مجازات عمومی میباشد که بموجب آن حتی احکام تکرار جرم را درباره آنان جایز ندانسته است. . . . »

نظر هیئت عمومی منصفانه است ولی قانوناً خالی از اشکال نیست چه با توجه بعموم و اطلاق ماده ۲ ملحقه و نبودن نص مخالف صحت استفاده از قاعده حقوقی اولویت در امر جزائی ممکن است محل تردید قرار گیرد.

تعدد جرائم سیاسی

در مورد جرائم سیاسی نیز در قانون مجازات و سایر قوانین مربوطه نسبت بجریان یا عدم جریان احکام تعدد جرم تصریح نشده است در حالیکه طبق ماده ۲۶ قانون مجازات عمومی: « احکام تکرار جرم درباره اشخاصی که بواسطه ارتکاب بجرم سیاسی محکوم شده‌اند جاری نخواهد بود. »

تاکنون هیئت عمومی از روح و فلسفه این ماده و قاعده اولویت برای منع جریان احکام تعدد جرم نسبت بجرائم سیاسی استفاده نکرده است ولی قیاس این مورد با نظر هیئت عمومی در مورد جرائم اطفال بلا اشکال بنظر میرسد. مناط منع جریان احکام تکرار جرم در ماده ۳۸ وضع مجرم و در ماده ۲۶ نوع جرم میباشد ولی بهر تقدیر تکرار و تعدد در یک رده قرار دارند و تکرار از تعدد شدیدتر محسوب میگردد و بانفی تکرار، تعدد نیز منتفی میگردد. از ماده ۲۶ ظاهراً چنین مفهوم میگردد که اگر شخصی قبلاً بعلت ارتکاب بزه سیاسی محکوم شده باشد این سابقه مؤثر محسوب نمیگردد ولی شخصی که قبلاً بعلت ارتکاب جرم عمومی

محکوم شده ولی بعداً مرتکب بزه سیاسی شده باشد مشمول احکام تکرار جرم می‌باشد .
از ظاهر مراتب فوق چنین برمیآید که احکام تعدد جرم در مورد جرائم سیاسی جاری
است ولی در عمل مقررات تعدد را در خصوص جرائم سیاسی در هیچ جا اعمال نکرده و نمیکنند .

جرائم اداری و مجازات‌های نقدی

در مورد جرائمی که اصلاً باید در دادگاه اداری رسیدگی شود و تبعاً یا بعلمت خاص
دیگری در دادگاه جزائی مطرح میشود (مانند رشوه کمتر از دو بیست ریال) رعایت ماده ۲
ملحقه جایز نیست . احکام صادره از شعب دوم و پنجم دیوان کشور مؤید این مطلب است .
جرمی که مجازات آن جزای نقدی باشد بطوریکه حکم شماره ۶۷۲ مورخ ۱۳۲۹-۳-۷
صادر از شعبه ۲ دیوان عالی کشور حکایت دارد مؤثر در تعدد نخواهد بود .
رویه های فوق مستند قانونی معینی ندارد ولی از نظر ارفاق بمتهم و اشکالاتی که
در موقع تعیین مجازات های سنگین برای محاکم ایجاد میشود این رویه را جاری و ساری
نموده است و با موازین انصاف مطابقت دارد .

تعدد علل و نتایج

مناط اجرای احکام تعدد جرم تعدد اعمال است و تعدد علل و نتایج موجب تعدد
عمل نخواهد شد و در این قبیل موارد تشدید مجازات با استناد ماده ۲ ملحقه صحیح نیست .
آراء صادره از شعب دوم و پنجم دیوان عالی کشور مؤید مطلب فوق است بعلاوه رای اصراری
هیئت عمومی شماره ۲۵۷۵ - مورخ ۲۵ - ۱۰ - ۱۳۱۸ در مورد جرم ورشکستگی
که دارای دو علت بوده و شعب دیوان جنائی آنرا دو جرم تلقی کرده و با رعایت مقررات
تعدد جرم طبق ماده ۲ ملحقه حکم صادر کرده بودند اعلام مینماید که : «ورشکستگی
بتقصیر یک جرم بوده منتهی علت آن ۲ فقره است . بنا بر این تعدد علل جرم موجب نمیشود
که جرم را متعدد دانست ...»

در خصوص تعدد نتایج حاصله از جرم آراء عدیده از شعب دوم و پنجم دیوان عالی
کشور صادر شده و حکایت دارد که : « . . ماده ۲ الحاقی راجع بموردیست که
اصل عمل متعدد باشد . . » و نیز : « تعدد نتایج موجب تعدد عمل نخواهد بود
بنابراین ماده ۲ الحاقی که راجع بعمل های متعددیست که قانوناً برای هر کدام بزه جداگانه
شناخته شده باشد شامل مورد نمیشود . »

رای اصراری هیئت عمومی بشماره ۴۱۶۵ / مورخ ۲۶-۹-۱۳۳۰ میگوید: «در جرم
قتل غیر عمدی بر اثر بی احتیاطی در رانندگی تعدد نتایج (مثل اینکه در آن واحد موجب
قتل و جرح چند نفر شده باشد) موجب تعدد جرم نیست . » بعلاوه احکام صادره از
شعبه دوم دیوان عالی کشور حکایت دارد که حتی اگر مضروب و مجروح دو نفر باشند
باز تعدد جرم حاصل نمیشود و رعایت ماده ۲ الحاقی موردی ندارد .

تعدد دفعات

علاوه بر اینکه تعدد علل و نتایج موجب تعدد عمل نمیشود تعدد دفعات نیز موجب
تعدد جرم نخواهد بود . حکم شماره ۴۶۹ مورخ ۲۶-۲-۱۳۱۹ صادره از شعبه ۵

دیوانعالی کشور میگوید: «اگر کارمندی یک مبلغ منتها در چند نوبت از کسی رشوه بگیرد تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه مزبور موجب تعدد جرم نخواهد بود.» همچنین حکم شماره ۱۱۱۱ مورخ ۲۱-۸-۱۳۲۵ صادره از شعبه دوم دیوانعالی کشور حکایت دارد که: «در تحقق عنوان تعدد جرم سرقت تعدد محل سرقت و اختلاف نوع مال مسروق و تاریخ ارتکاب و تصمیم سارق از بدو امر مؤثر است بنابراین اگر دزدی از ابتدا تصمیم بغالی کردن ائبار غله‌ای داشته منتهی چون در یک شب انجام آن مقدور نبوده در دو شب انجام گرفته با این حال عمل متعدد نیست تا مشمول ماده ۲ الحاقی گردد.»

حکم شماره ۲۱۹۴ - مورخ ۱۱-۹-۱۳۳۲ صادره از شعبه نهم دیوان عالی کشور میگوید که: «حمل اسلحه متعدد طبق ماده مزبور (ماده ۳ و ۴ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب آبان ۳۱) جرم واحدی است و رعایت تعدد از نظر متعدد بودن اسلحه (حمل اسلحه ناریه و چاقو) صحیح نخواهد بود.»

جرایم مرکبه

در موردیکه متهم مرتکب دو عمل شده باشد که هر دو عمل جرم باشد ولی یکی مقدمه دیگری باشد رعایت تعدد طبق ماده ۲ - ملحقه لازمست ولی احکام صادره از شعب دوم و پنجم دیوانعالی کشور در مورد جرائم مرکبه چنین اشعار دارد که: «... و اساساً بطور کلی اگر بزه‌ی مقدمه بزه دیگری باشد قاعده مخصوص نیست که هر دو عمل از لحاظ کیفر در حکم یک عمل تلقی شود مگر در بزه‌های مرکبه که خود قانون برای مجموع، کیفر خاصی مقرر داشته باشد.»

مفاد حکم فوق متضمن یک مسامحه بیانی است چه اولاً در موردیکه شخصی مرتکب دو بزه بشود که یکی مقدمه دیگری باشد قاعده مخصوصی وجود دارد النهایه آنها را در حکم یک عمل نمیداند و طبق ماده ۲ ملحقه باید از بابت هر دو عمل برای متهم تعیین مجازات گردد. ثانیاً در مورد جرائم مرکبه نیز ماده ۲ ملحقه صراحت دارد که هم از بابت جرایم جزئیه و هم از بابت مجموع آنها باید تعیین مجازات بشود. البته اگر منظور نظر قضات محترم صادرکننده احکام مزبور بزه واحدی باشد که عناوین متعدده جرم بر آن منطبق باشد باینکه نتایج حاصله از آن متعدد باشد در آن صورت صحت نظرشان مسلم خواهد بود.